

نگاه اسلام به نگهداری سگ در جامعه اسلامی - ایرانی

محمد رادمرد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

چکیده

زندگی انسان همواره در طول تاریخ، به نوعی با حیوانات مرتبط بوده است. اسلام درباره حقوق حیوانات بسیار حساس بوده و حقوقی برای حیوانات مشخص کرده است. در دنیای امروز، زندگی و نگهداری برخی حیوانات را در کنار انسان، رایج شده است. اسلام نیز، به حفظ و نگهداری برخی از حیوانات توصیه کرده است؛ مثل: کبوتر، خروس، بلبل و... اما از نگهداری برخی از حیوانات نهی شده است. سگ از جمله حیواناتی است که در این گروه قرار گرفته و از نگهداری آن در کنار خود، پرهیز داده شده است. جامعه غربی، به دلیل نداشتن کانون خانواده مناسب و از بین رفتن روابط عاطفی، رو به نگهداری سگ و ارتباط گیری با آن آورده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بدین نتیجه دست یافته است که نگهداری سگ، دارای مضرات فردی و اجتماعی بسیاری است که جامعه غرب این آثار مضر را تجربه کرده است. در سال‌های اخیر، این فرهنگ غلط در جامعه اسلامی نیز رواج پیدا کرده است که دین‌گریزی، کم شدن روابط انسان‌ها، تهاجم فرهنگی دشمنان، تقلید از فرهنگ غرب و مدگرایی را می‌توان از علل رواج آن نام برد که موجب خطرات بسیاری بر جامعه اسلامی است؛ خطراتی از قبیل: شیوع بیماری، کم شدن جمعیت، انحرافات جنسی، اسراف و اتلاف وقت. در اسلام با اینکه بر این حیوان ارزش بسیاری گذاشته شده و حقوق بسیاری نیز دارد ولی ورود آن به حیطه زندگی انسان را به دلیل مفاسدش، محدود کرده است. روایات مربوط به سگ در چهار مبنای آمده است که بیانگر همه جوانب این حیوان است.

کلید واژگان: سگ، حیوان، اسلام، جامعه، جامعه اسلامی، زندگی اجتماعی

نخستین شماره مجله علمی-پژوهشی سگ در جامعه اسلامی - ایرانی

از دیدگاه اسلام حیوانات جایگاهی در جامعه اسلامی دارند و دارای حقوق‌هایی هستند و ارزش بسیاری در روایات و آیات به حیوانات داده شده است.

در جامعه امروزی، افراد رو به زندگی و نگهداری و ایجاد رابطه با برخی از حیوانات کرده اند. متأسفانه این مسئله جز مسائل امروزی است که نوشته‌هایی در این زمینه دیده نمی‌شود به همین خاطر در این مقاله از سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیز کمک گرفته شده تا با ترکیب مطالب اسلامی با مسائل جدید در این مقاله به بررسی هنجار یا ناهنجار بودن این مسئله پرداخته و علل روی آوردن جامعه اسلامی به این مسئله را تشریح کنیم و در آخر به شبهه سگ بازی امام حسین (علیه السلام) در کودکی که بعضی از معاندان شیعه و روشنفکران و توجیه کنندگان سگ بازی خود، این شبهه را مطرح کرده اند، جواب خواهیم داد.

سگ حیوانی است که ۲۵ یا ۳۰ میلیون سال پیش در روی زمین می‌زیسته و دست کم ۱۵ هزار سال پیش اهلی شده اند. و جزء قدیمی‌ترین و پایدارترین رابطه هاست که می‌شود نام برد.

در طی تمام پستی و بلندی‌ها و در تمام آثاری که از تاریخ به جا مانده، می‌شود چگونگی روابط انسان با سگ را مشاهده کرد که سگ‌ها در صحنه‌های زیادی مثل: شکار و نگهبان و غیره در کنار انسان بوده اند. مذاهب و ادیان مختلف نیز برای سگ در طول تاریخ، مقام ویژه ای قائل بوده اند، مانند: مصریان که برای سگ‌های مرده خود مقبره و بارگاه می‌ساختند و همانند اسلام کشتن سگ، باعث تنبیه بدنی سختی بوده است. (پایگاه خبری چیچست نیوز، ۱۳۹۴)

حیوان و حقوق آن در اسلام:

حیوانات در زندگی انسان آثار بی شماری و فایده‌های گوناگون دارند. خدای سبحان با آفرینش حیوانات و تسخیر آنها به دست انسان‌ها، نعمت‌های فراوانی، بهره آنان کرده است. البته این بدان معنا نیست که آنها حقوقی بر انسان‌ها ندارند. بنابراین تصرف و بهره برداری انسان از حیوانات نیز بی حد و مرز نیست بلکه ضوابط شرعی و اخلاقی بسیار دقیقی دارد و قوانین حمایتی و حقوقی که اسلام برای حیوانات وضع کرده، احکام شرعی و الزام آورند.

در قرآن کریم سوره‌هایی از باب علم بالغلبه به نام برخی حیوانات مانند: بقره، انعام، فیل، نحل، نمل و عنکبوت وجود دارند و نیز برخی از آیات که حکایت و داستان‌هایی مثل اصحاب کهف، حضرت سلیمان و اصحاب فیل را در خود جای داده، که پیوند نزدیک زندگی انسان با حیوانات را نشان می‌دهد. (جوادی آملی،

۱۳۹۴: ص ۶۷۳)

در کتب روایی نیز احادیث بسیاری در رابطه با حیوانات، حلال و حرام بودن وحد و مرز رفتار با آنان آمده که به دلیل گسترده بودن آن به عنوان نمونه به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

در روایات ما برخلاف آنچه که معاندان اسلام درباره عدم ترحم در دین اسلام می‌گویند، توصیه‌های ویژه‌ای به نگهداری برخی حیوانات در خانه تاکید شده است که به دو نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱- قالَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا: «لَا يَنْبَغِي أَنْ يَخْلُوَ بَيْتُ أَحَدِكُمْ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هُنَّ عَمَارُ الْبَيْتِ: الْهَرَّةُ وَ الْحَمَامُ وَالِدِيكَ...» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ص ۱۳۰).

امام رضا (سلام الله علیه) فرمود: شایسته نیست خانه‌ای از سه چیز تهی باشد که آن سه مایه آبادانی خانه‌اند: گربه، کبوتر و خروس..

۲- قَالَ عَلِيُّ (عليه السلام): «صَبَّاحُ الدِّيَكِ صَلَاتُهُ وَ ضَرْبُهُ بِجِنَاحِهِ رُكُوعُهُ وَ سُجُودُهُ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۶، ص ۵۵ و مجلسی، ۱۳۸۹: صص ۳۴۳-۳۴۴ و ۱۳۰۴: ج ۱۶، ص ۱۲۴).

امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرمایند: بانگ خروس، نماز اوست و بال زدنش رکوع و سجود اوست. همچنین در روایات ائمه معصومین روایات فراوانی درباره احترام و اکرام حیوانات آمده است که ما در این بخش به دو روایت درباره بدترین حیوان از جهت پاکی و نجس بودن اشاره می‌کنیم که با وجود نجس بودن آن در اسلام، آن حیوان را اکرام و احترام می‌کنند.

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): «دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ صَاحِبَ الْكَلْبِ الَّذِي أُرِوَاهُ مِنَ الْمَاءِ» (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۶۲، ص ۶۵۹).

رسول خدا فرموده‌اند: شب معراج به بهشت وارد شدم و دیدم که صاحب سگی که آن را سیراب کرده بود در بهشت جای دارد.

۲- پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) در فتح مکه، هنگام آمدن از مدینه به مکه از کنار آبی، سگی ماده را دیدند که عوعو می‌کرد و به بچه‌هایش شیر می‌داد، به یکی از یارانش دستور دادند که در برابر آن سگ بنشیند تا کسی از سپاهیان متعرض سگ و بچه‌هایش نشود (هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۳، ص ۴۲۹)، (ابن بابویه، ۱۳۷۳ص ۵۳۴)، (صالحی شامی، ۲۰۱۲م، ج ۷، ص ۲۹).

۳- مردی با اسبش خدمت پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) رسید و به آن حضرت سلام کرد. پیامبر (به صیغه جمع) پاسخ دادند: و علیکم السلام. آن مرد عرض کرد: ای رسول خدا من تنها هستم. حضرت فرمود: به تو و اسبت سلام کردم (راوندی کاشانی، ۱۳۷۶: صص ۴۱-۴۲).

خود داستان اصحاب کهف هم نشان از اهمیت حیوانی مثل سگ دارد که می‌تواند همراه انسان به مقاماتی برسد که در روایات داریم که: از حیوانات سه حیوان به بهشت داخل می‌شود: خر بلعم باعورا، سگ اصحاب کهف و گرگ یوسف. (مجلسی، ۱۳۰۴: ج ۱۴، ص ۴۱۳) در بعضی روایات ۳۰ مورد از حیوانات را شمرده‌اند. در بعضی کتاب‌ها به حقوق حیوانات همچون: حق تغذیه، حق بهداشت و درمان، حق استراحت، حق تولید مثل، حق دوستی حیوان با انسان، حق احترام و... اشاره شده که الزام آن از جهت اسلام به انسان است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ص ۳۷۶-۳۷۰)

ورود سگ به زندگی اجتماعی در کشورهای غربی و آمریکایی:

زمان شروع زندگی اجتماعی همراه سگ در کشورهای غربی، به طور دقیق مشخص نیست. ظاهراً این پدیده مانند پدیده‌های اجتماعی دیگر، به تدریج رخ داده است. خانواده یکی از ارکان زندگی‌های کشورهای اسلامی است که این رکن اصلی در کشورهای غربی و آمریکایی به دلایل فروان مفقود شده است و مشکلات بسیاری را برای آنان فراهم کرده است و کشورهای غربی از نبود خانواده در بطن جامعه خود، رنج بسیاری می‌برند.

با از بین رفتن کانون خانواده جایگزینی برای ابراز عواطف و جبران کمبود محبت دیده نمی‌شود، برخی از کارشناسان ورود سگ به زندگی اجتماعی غربی‌ها را عدم نبود خانواده می‌دانند، تا جایی که برخی از اروپاییان سگ را از خانواده و پدر و مادر یا فرزند، بهتر می‌دانند و بخاطر خصلت‌های خوبی همچون وفاداری این حیوان، او را به عنوان همدم خود انتخاب می‌کنند. رابطه سگ با انسان در برخی از کشورهای اروپایی به گونه‌ای است که تعداد جمعیت شهر از جمعیت سگ‌های خانگی کمتر است و حتی در حقوق مدنی غرب، حق الارث هم برای این حیوان خانگی لحاظ می‌کنند. سگ‌ها در کشورهای اروپایی دارای قبرستان، شهر، کیلینک، هتل و پرستار ویژه هستند.

این حقوق‌ها تا جایی پیش رفته که امروز سگ‌ها را به عنوان یک چهره سیاسی و عضوی از ساکنان کاخ‌های ریاست جمهوری و جاهای دیگر ادارات دولتی می‌دانند، به نحوی که در برخی موارد انتخاب سگ حساس‌تر از انتخاب یک وزیر می‌شود، حتی در سال‌های گذشته یک سگ در انتخابات شهرداری شرکت کرده و در انتخابات پیروز شده و شهردار شده است.

در برخی از کشورهای اروپایی رابطه به قدری شکل گرفته که بعضی از زنان و مردان باسگ‌ها ازدواج می‌کنند که این مسئله می‌تواند خطرناک‌ترین فرهنگ جهانی باشد.

رهبر مسیحیان جهان درباره نگهداری سگ می گوید: شاید نگهداری از یک سگ و یا دو گربه راحت تر باشد ولی بدین ترتیب عشق و محبت به سوی این حیوانات می رود، اما سرانجام زندگی به پیری و تلخی و تنهایی می رسد. پاپ ضمن انتقاد شدید از ازدواج هایی که در آن زوجین تصمیم می گیرند تا برای راحتی و آزادی بیشتر، بچه دار نشوند گفت: عروس و داماد علاوه بر اینکه باید به یکدیگر وفادار و پایدار بمانند، باید بچه دار نیز بشوند. وی افزود: مواردی وجود دارد که مورد رضای حضرت مسیح (ع) نیست.

علامه جعفری نیز در یادداشت های خود در سفر به اروپا درباره علاقه به سگ در کشور های اروپایی می گوید: علاقه به سگ در درجه اول از حیوانات قرار دارد. موضوع سگ موقعیت با اهمیتی را در جوامع غربی اشغال می کند. بطور فراوان وقتی که افراد به یکدیگر می رسند به جای پرسش از حال خویشان، احوال سگ را می پرسند.

سگ در جامعه اسلامی:

فرهنگ نگهداری از حیوانات خانگی مانند مرغ و خروس و حیوانات سوده مانند گاو گوسفند از دیر باز در فرهنگ روستایی جامعه اسلامی وجود داشته و همواره سگ به عنوان ابزاری در حراست از گله های گوسفند و شکار مورد استفاده بوده است. اما دشمنان اسلام همواره در صدد ترویج فرهنگ غربی در جوامع اسلامی بوده اند و برای آن نیز برنامه ریزی های کوتاه مدت و بلند مدت می کنند و دنبال از بین بردن سبک زندگی جوامع اسلامی هستند.

یکی از این مصادیق نیز نگهداری و ایجاد رابطه با سگ است که متأسفانه در جامعه اسلامی گسترش یافته و در اماکن عمومی ایران نیز بسیار دیده می شود.

عوامل افزایش علاقه مندی به نگهداری سگ در جامعه اسلامی:

۱- دین گریزی: یکی از عوامل موثر در پیدایش این پدیده کمبود ایمان و رواج بی دینی است. در جامعه اسلامی اگر قوانین و فرهنگ اسلامی توسط آحاد مردم رعایت شود بروز چنین پدیده ای محال یا به ندرت اتفاق می افتد، زیرا رعایت قوانین اسلامی مستلزم رعایت اصول دینی و اصول بهداشتی است و اسلام در میان تمام حیوانات اهلی سگ را حیوان نجس عنوان کرده، و اگر شخص معتقدی بخواهد به قواعد زندگی اسلامی بپردازد خود به خود از نگهداری سگ به دور می ماند.

۲- کم شدن روابط انسان ها: یکی از عوامل ورود حیوانات به زندگی انسان ها مخصوصاً سگ، کم شدن روابط انسان ها با یک دیگر است. در جوامع غربی به دلیل نبود کانون خانواده، روابط انسان ها با یکدیگر تقلیل

یافته است و در جوامع اسلامی نیز به وجود آمدن برخی سبب‌ها مثل: گسترش طلاق، ضعف اقتصادی، بالا رفتن سن ازدواج و آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی و غیره، موجب کم شدن روابط بین مردم شده که این کمبود نیاز به جبران دارد و به دلیل نبود جایگزین مناسب، افراد مخصوصاً جوانان که نیاز مبرم به ایجاد رابطه دارند، روبه نگهداری حیوانی می‌کنند که بعضی از خصوصیاتش اقناع‌کننده کمبود رابطه‌هاست.

۳- تهاجم دشمنان اسلام: همچنان که گفته شد دشمنان اسلام درصدد نفوذ فرهنگی در جوامع اسلامی را دارند و با به کارگیری ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی و ایجاد شبهات در تفکر جوامع نفوذ کرده و فرهنگ‌های غلط خود را دیکته می‌کنند.

۴- تقلید از فرهنگ غرب و خود باختگی: خود باختگی و عدم شناخت تاریخ خود و نبود اندیشه و تفکر صحیح درباره فرهنگ‌های مناسب باعث بروز چنین ناهنجاری‌هایی می‌شود. اگر جوانان ما با تاریخ اسلام و ایران آشنایی داشته باشند، به عناصر تاریخی و فرهنگی خود افتخار کرده و همین افتخار مایه عزت نفس و باورمندی جوان می‌شود و زمانی که اینطور شد، گرایش به فرهنگ هدفمند غربی کم‌رنگ می‌شود. (خبرگزاری فردا، ۱۳۹۲)

۵- مدگرایی: مدگرایی و مدپرستی وقت و انرژی انسان را به گونه‌ای می‌گیرد که فرد تمام تمرکز و افکار و وقت و هزینه خود را صرف اینکه همواره به روز باشد می‌کند و بزرگ‌ترین آسیب آن در وهله نخست این بوده که در تمامی ابعاد زندگی دچار رکود شده و هیچ‌گاه به بلوغ فکری و فرهنگی نمی‌رسد. درباره نگهداری سگ نیز این ضد ارزش را نوعی مد می‌دانند و داشتن سگ و زندگی با آن را تجدد گرایی می‌دانند.

مضرات نگهداری سگ در جامعه:

۱- بیماری: بر اساس گزارش سازمان جهانی بهداشت، از میان ۱۷۱۹ عامل بیماری زا، ۸۳۲ عامل، از حیوانات به انسان منتقل می‌شود و از میان ۱۵۶ بیماری نوپدید شناخته شده در انسان، ۱۱۴ مورد آن از حیوانات به انسان منتقل می‌شود. سهم سگ از این تعداد بیماری قابل چشم پوشی نیست.

با توجه به اینکه افراد دارنده سگ، این حیوان را در تمام شئون زندگی خود داخل کرده اند و حتی خواب و غذا خوردن و حمام رفتنشان نیز با این حیوان است، امکان انتقال بیماری نیز بسیار بالاست.

برخی از بیماری‌هایی که قابل انتقال از سگ به انسان است عبارت اند از: امراض جلدی، کیست، سل، هاری، کک و شپش، کرم کدوی سگ و بسیاری از بیماری‌های دیگر که جای بحث در این مقاله را ندارد و این بیماری‌ها در برخی اوقات موجب مرگ نیز می‌شود.

۲- دوری از روابط اجتماعی: در بحث علل گرایش گفته شد که کم بودن روابط اجتماعی عامل گسترش این پدیده است، اما نگهداری سگ خود می‌تواند موجب گوشه نشینی و فرار از اجتماع باشد و اگر به طور حتم

نگوییم که موجب کم شدن روابط اجتماعی می‌شود، می‌توان جزء عواملی نام برد، که این مطلب در زندگی جوامع غربی کاملاً مشهود است.

۳- فرار از فرزند داری و کم شدن جمعیت: کسانی که حیوان خانگی نگه می‌دارند مخصوصاً سگ که وفاداری او موجب شگفت زدگی و اشباع حس تسلیم‌پذیری می‌شود، این حیوان را مثل فرزند خود می‌دانند و در بسیاری از موارد آن را بهتر از فرزند و کم دردسرت‌ر می‌دانند. این رویه با مرور زمان موجب کم شدن جمعیت نیز می‌شود مثل برخی از شهرهای اروپای غربی که تعداد حیوان خانگی از تعداد جمعیت بیشتر است.

۴- اسراف در هزینه‌ها و هدر رفت وقت و سرمایه: با توجه به اینکه بیشتر کسانی که در کشورهای اسلامی مخصوص ایران به نگهداری سگ روی آورده‌اند، بسیاری از اوقات خود را صرف سگ‌های خود می‌کنند. در ایران به خصوص در پایتخت، هزینه‌هایی که افراد برای سگ‌های خودشان می‌کنند در بسیاری از موارد، از خرج و سرمایه یک خانواده عادی بیشتر است.

در تهران آرایشگاه‌هایی مخصوص برای تزئین سگ‌ها وجود دارد که مبالغ زیادی برای تزئین سگ‌ها دریافت می‌کنند و همچنین در تهران دیده شده که برای سگ‌های خود، جشن تولد میلیونی گرفته‌اند. حتی برای سگان سایت‌های همسر یابی درست شده که با گرفتن مبالغی برای سگ جفت پیدا می‌کنند.

۵- انحرافات جنسی: وقتی کل زندگی و رابطه افراد منحصر در سگ و یک حیوان می‌شود و حتی افراد موقع خواب هم با سگشان می‌خوابند، این روش ممکن است باعث انحرافات جنسی نیز شود. به طور مثال اخیراً در کشورهای اروپایی هم جنس‌گرایان و حتی غیر آنان نیز به اینکار شنیع رو آورده‌اند. زنان و مردان اروپایی حتی با بعضی از سگ‌ها ازدواج رسمی می‌کنند و برای آن‌ها شناسنامه ازدواج نیز صادر می‌شود. پس با این بیان و با این تجربه می‌توان گفت که این رابطه، نیازهای جنسی افراد را تهدید می‌کند.

نگهداری سگ از دیدگاه اسلام

۱- آیات: آیات قرآن کریم درباره سگ، فقط چهار آیه است که در سه سوره (مائده ۴، اعراف ۱۷۶، کهف ۱۸ و ۲۲) که هیچ کدام از این چهار آیه درباره موضوع ما و حتی نجس بودن آن چیزی بیان نکرده است.

۲- روایات: احادیث اهل بیت در مورد سگ به چند دسته تقسیم می‌شوند: ۱- حقوق سگ (که در بخش اول گذشت) ۲- نجس بودن سگ ۳- خرید فروش سگ ۴- نگهداری سگ

الف- نجس بودن سگ: بعضی از آن‌هایی که دنبال توجیه کار و فرهنگ غلط خودشان هستند و در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند، برای توجیه کارشان دنبال آسیب زدن به احکام هستند و چون در آیات قرآن نصی

بر نجاست سگ نیست، این افراد می‌گویند اگر سگ نجس بود در قرآن به آن اشاره می‌شد و چون چیزی نیامده پس نجس نیست.

در پاسخ این افراد باید گفته که احکام الهی فقط از راه قرآن به دست نمی‌آید بلکه قرآن فقط کلیات احکام را بیان می‌کند و احکام دیگر از روایات و اجماع عقل به دست می‌آید.

طبق اجماع فقهای شیعه و سنی سگ نجس است و روایات بسیاری برای نجاست سگ وجود دارد که بخشی از آن به صراحت و بخشی نیز با قرائن و شواهد دال بر نجس بودن سگ دارد که به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم.

۱- سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْكَلْبِ؛ فَقَالَ: «رَجَسٌ نَجَسٌ، لَا يُتَوَضَّأُ بِفَضْلِهِ، وَاصْبَبْ ذَلِكَ الْمَاءَ وَاغْسِلْهُ بِالْتَرَابِ أَوْلَ مَرَّةٍ ثُمَّ بِالْمَاءِ» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق: ج ۳، ص ۴۱۵).

راوی حکم سگ را از امام صادق (ع) سؤال کرد، حضرت فرمود: پلید و نجس است، از اضافه آبی که آشامیده نباید وضو گرفته شود، آن آب را بریز و (ظرف) را بار اول با خاک و سپس با آب بشوی.

۲- عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ شُرَيْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ سُورِ الْكَلْبِ يُشْرَبُ مِنْهُ أَوْ يُتَوَضَّأُ؟ قَالَ: لَا؛ قُلْتُ أَلَيْسَ سَعٌّ؟ قَالَ: لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ نَجَسٌ، لَا وَاللَّهِ إِنَّهُ نَجَسٌ» (همان، ص ۴۱۶).

ابن شریح، حکم نیم خورده سگ را از امام صادق (ع) پرسید که آیا می‌توان از آن نوشید یا با آن وضو گرفت؟ حضرت فرمود: نه، راوی پرسید: آیا او یک درنده (مثل دیگر درندگان) نیست؟ فرمود: نه، به خدا سوگند، او نجس است. نه، به خدا سوگند، او نجس است.

۳- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ خَلْقًا أَنْجَسَ مِنَ الْكَلْبِ» (همان، ج ۱ ص ۲۲۷).

عبدالله بن ابی یعفور از امام صادق (ع) نقل می‌کند: همانا خداوند نیافرید خلقی را که نجس‌تر از سگ باشد.

۴- «عَنْ أَبِي سَهْلِ الْقُرَشِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ لَحْمِ الْكَلْبِ؛ فَقَالَ هُوَ مَسْخٌ. قُلْتُ: هُوَ حَرَامٌ؟ قَالَ: هُوَ نَجَسٌ؛ أُعِيدُهَا عَلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، كُلَّ ذَلِكَ يَقُولُ هُوَ نَجَسٌ» (همان، ج ۳، ص ۴۱۶).

ابی سهل می‌گوید از امام صادق (ع) درباره گوشت سگ سؤال کردم، حضرت فرمود: از حیوانات مسخ شده است. گفتم آیا حرام است؟ امام فرمود: نجس است. سه مرتبه این سوال را تکرار کردم و هر سه بار امام فرمود: نجس است.

۵- عَنْ الْفَضْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ، قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ فَضْلِ الْهَرَّةِ وَالشَّاهِ وَالْبَقْرَةَ وَالْأَبِلِ وَالْحِمَارِ وَالْخَيْلِ وَالْبَعَالِ وَالْوَحْشِ وَالسَّبَاعِ، فَلَمْ أَتْرُكْ شَيْئًا إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ؛ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ؛ حَتَّى أَنْتَهَيْتُ إِلَى الْكَلْبِ، فَقَالَ رَجِسٌ نَجِسٌ» (همان، ص ۴۱۳).

فضلمی گوید از امام صادق (ع) از پس مانده حیوانات (گره، گوسفند، گاو، شتر،...) سوال کردم؛ و امام فرمود: اشکالی ندارد. تا اینکه از سگ سوال کردم؛ و امام فرمود: پلید و نجس است.

ب- خرید و فروش: خرید فروش سگ نیز طبق نظرات علمای شیعه حرام است مگر چهار سگ: سگ شکاری، سگ نگهبان، سگ گله، سگ زراعت. و احادیث بسیاری نیز بر این مسئله تصریح دارند. (عاملی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۷۳)

۱- عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ، عَنِ الرَّضَا (ع) قَالَ «سَمِعْتُهُ يَقُولُ: تَمَنُّ الْكَلْبِ سُحْتٌ وَالسُّحْتُ فِي النَّارِ» (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۱۷، ص ۱۲۰)

امام رضا (ع) فرمود: قیمت سگ سُحْت است و سُحْت در آتش است.

۲- عَنْ أَبِي بصِيرٍ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ تَمَنِّ كَلْبِ الصَّيْدِ؛ قَالَ: لَا بَأْسَ بِتَمَنِّهِ وَالْآخِرُ لَا يَحِلُّ تَمَنُّهُ. ابي بصير از امام صادق (ع) از بهای سگ شکاری سوال کرد، حضرت فرمود: اشکالی ندارد؛ اما بهای دیگر سگ‌ها حلال نیست

۳- عَنْ الرَّضَا (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَتَمَنُّ الْكَلْبِ سُحْتٌ.

امام رضا (ع) در سخنی فرمود: بهای سگ، سُحْت (حرام) است. (همان)

۴- فِي حَدِيثٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: تَمَنُّ الْخَمْرِ وَمَهْرُ الْبَغِيِّ وَتَمَنُّ الْكَلْبِ الَّذِي لَا يُصْطَادُ مِنَ السُّحْتِ. رسول خدا (ص) در سخنی فرمود: بهای شراب، بهای زناکار، و بهای سگی که شکار نمی‌کند، سُحْت (حرام) است. (همان)

۵- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْعَامِرِيِّ، قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ تَمَنِّ الْكَلْبِ الَّذِي لَا يَصِيدُ؛ فَقَالَ: سُحْتٌ؛ وَ أَمَّا الصَّبُودُ فَلَا بَأْسَ.

از امام صادق (ع) در مورد بهای سگی که شکاری نیست، سوال شد. حضرت فرمود: سُحْت (حرام) است؛ اما (گرفتن بهای) سگ صید اشکالی ندارد. (همان)

ج- نگهداری سگ:

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنْ جَبْرَيْلُ آتَانِي فَقَالَ إِنَّا مَعَشَرَ الْمَلَائِكَةِ لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تِمْتَالُ جَسَدٍ وَلَا إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: همانا جبرئیل بر من وارد شد و گفت: ما ملائکه بر خانه ای که در آن سگ و مجسمه و ظرفی که در آن ادرار می‌کنند، وجود دارد، داخل نمی‌شویم. (کلینی، ۵، ۱۳۶، ج ۳، ص ۳۹۳)

۲- وَقَالَ الصَّادِقُ (ع): لَا تُصَلِّ فِي دَارٍ فِيهَا كَلْبٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ كَلْبَ صَيْدٍ، وَأَغْلَقْتَ دُونَهُ أَبَا، فَلَا بَأْسَ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا بَيْتًا فِيهِ تَمَائِيلٌ وَلَا بَيْتًا فِيهِ بَوْلٌ مَجْمُوعٌ فِي آنِيَةٍ.

امام صادق (ع) فرمود: نماز مگذار در خانه ای که در آن سگ است مگر اینکه سگ صید باشد، و دربی برویش بسته شود، در این صورت اشکالی ندارد... (قمی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۴۰)

۳- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): «لَا خَيْرَ فِي الْكَلْبِ إِلَّا كَلْبَ الصَّيْدِ أَوْ كَلْبَ مَاشِيَةٍ» (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۶۲، ص ۵۳ و حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۳۰).

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: خیری در نگهداری سگ نیست، به جز سگ شکاری و سگ گله.

۴- عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَا مِنْ أَحَدٍ يَتَّخِذُ كَلْبًا إِلَّا نَقَصَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ عَمَلِ صَاحِبِهِ قِيرَاطٌ» (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۶۲، ص ۵۰).

زراره از امام صادق (ع) نقل می‌کند: کسی سگی را نگهداری نمی‌کند مگر اینکه هر روز از عمل او کاسته می‌شود.

۵- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع): «قَالَ يُكْرَهُ أَنْ يَكُونَ فِي دَارِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ الْكَلْبُ» (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۶۲، ص ۵۰ و حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۵۳۰).

امام صادق (ع) فرمود: ناپسند است در خانه مرد مسلمان سگ باشد.

۶- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «لَا تُمْسِكُ كَلْبَ الصَّيْدِ فِي الدَّارِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بَابٌ» (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۶۲، ص ۵۳).

امام صادق (ع) فرمود: سگ شکاری را در خانه‌ات نگهداری مکن مگر اینکه بین تو و او دربی باشد (محل زندگی او جدا باشد).

۷- عَنْ أَبِي رَافِعٍ قَالَ: جَاءَ جِبْرِئِيلُ إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَاسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ - فَأَذَنَ لَهُ، فَأَبْطَأَ، فَأَخَذَ رِدَاءَهُ فَخَرَجَ - فَقَالَ: قَدْ أَذْنَا لَكَ - قَالَ: أَجَلٌ وَ لَكِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَ لَا صُورَةٌ - فَنَظَرُوا فَإِذَا فِي بَعْضِ بُيُوتِهِمْ جُرُودٌ - (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰).

با توجه به احادیث فوق و بدون در نظر گرفتن نظر علمای شیعه، فهمیده می‌شود که نگهداری سگ غیر از سگ صیاد و نگهبان و گله، قبیح است و در نزد اهل بیت مذموم است.

شبهه و پاسخ به آن:

در کتاب محاسن برقی، ایشان حدیثی نقل کرده اند که معاندان و دشمنان تشیع و همچنین کسانی که دنبال توجیه سگ بازی خود هستند، این حدیث را مایه دستاویز خود قرار داده و اهل بیت، مخصوصاً امام حسین (علیه السلام) را (نعوذ بالله) شخصی سگ باز معرفی می کنند حدیثی که جناب برقی آورده اند به این شرح است:

عنه، عن أبيه، عن أحمد بن النضر، عن عمرو بن شمر، عن جابر، عن عبد الله بن يحيى الكندي، عن أبيه (وكان صحاب مطهرة علي)، عن علي (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): «يا علي إن جبرئيل أتاني البارحة، فسلم علي من الباب، فقلت: ادخل، فقال: إنا لا ندخل بيتا فيه ما في هذا البيت، فصدفته وما علمت في البيت شيئا، فضربت بيدي، فإذا جر و كلب كاللحسين بن علي يلعب به اللامس فلما كان الليل دخل تحت السرير، فبذته من البيت ودخل، فقلت: يا جبرئيل أو ما تدخلون بيتا فيه كلب؟ - قال: لا، ولا جنب ولا تمثال لا يوطأ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۱۵).

یعنی: پیامبر فرمود: یا علی! جبرائیل امروز صبح پیش من آمد و بیرون در خانه سلام کرد و داخل نشد. به او گفتم: داخل شوید. گفت ما فرشتگان، داخل خانه ای که در آن مثل آنچه در خانه شماست، باشد، نمی شویم. من او را در این سخن تصدیق کردم و به فحص و تفتیش در خانه برخاستم که ناگاه دیدم توله سگی که حسین بن علی روز گذشته با او بازی می کرد شب، زیر تخت خواب رفته و من آن را از خانه بیرون کردم. آن گاه جبرئیل داخل شد. گفتم: مگر شما داخل خانه ایی که در آن سگ باشد، نمی شوید؟ گفت: ما داخل خانه ایی که در آن سگ، یا آدم جنب و یا مجسمه و عکسی که زیر پا گذاشته نشود، باشد نمی شویم.

حدیث فوق بدون در نظر گرفتن مباحث روایی و رجالی با آیات قرآن در تضاد است و اهل بیت خود بر این موضوع تاکید داشته اند که اگر روایتی از ما نقل بشود که متعارض با قرآن است این روایت از ما نیست. این حدیث (حدیث برقی) با دو آیه قرآن در تضاد است.

۱- آیه تطهیر که به اتفاق شیعه و سنی در شأن اهل بیت (علیهم السلام) نازل شده است:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب (۳۳): ۹).

بدیهی است که تطهیر اهل بیت در تضاد با آلوده شدن آنان به رجسی چون همدم شدن با سگ و بازی با آن می باشد و از این رو بطلان خبر ثابت می گردد.

۲- آیه ۳۶ سوره نور:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (النور (۲۴): ۳۶).

در خانه ای که خداوند از دستبرد شیطان حفظ کرده و خانه ای که محل تسبیح خداوند است و محل نزول ملائک با چنین مسائلی قطعاً به دور است.

همچنین از خود امام حسین (علیه السلام)، در یادآوری شخصیت یزید، او را شخصی سگ باز معرفی می‌کند که با قرائن حالیه، قبیح بودن این کار مشخص و مبین است.

ای معاویه از یزید آنگونه که هست سخن بگو! از سگ بازیش بگو، در آن هنگام که سگ‌های درنده را بجان هم می‌اندازد، از کبوتر بازیش بگو، که کبوتران را در بلند پروازی به مسابقه وامی دارد. از بوالهوسی و عیاشی او بگو که کنیزکان را به رقص و آواز وامی‌دارد. از خوشگذرانیش بگو که از ساز و آواز خوشحال و سرمست می‌شود. (مجلسی، ۱۳۰۴، ج ۴۴، ص ۱۲۹).

نتیجه

با توجه به مباحثی که مطرح شد کاملاً مشخص شد که نگهداری و زندگی با سگ از نظر اهل بیت قبیح و مذموم است. و اگر نظرات اهل بیت نیز در دست نبود، با توجه به مضرات این مسئله باید طبق عقل از این کار اجتناب کنیم و اگر در جامعه اسلامی مضرات این کار تبیین نشود، جامعه به مرحله ای می‌رسد که در هر خانه ای به جای فرزند داری سگ پروری جای گزین آن می‌شود همچون که جامعه غرب گرفتار این موضوع است. با این بیان، برای جلوگیری از این پدیده و ناهنجاری، تبلیغات فرهنگی و تبیین قبح و مضرات آن در جامعه توسط قشر خاص و تحصیل کرده و متدین انجام گیرد و دولت و سازمان‌های اخلاقی نیز باید تدابیر قانونی دی این زمینه انجام دهند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، «المقتع فی الفقه»، مؤسسه الهادی، قم، ۱۳۷۳.
۳. برقی، احمد بن محمد، «کتاب المحاسن»، ج ۲، چ ۱، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۳۷۱.
۴. جوادی آملی، عبدالله، «مفاتیح الحیاة»، چ ۵، اسراء، قم، ۱۳۹۴.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، «وسائل الشیعه»، آل البیت، ۱۴۱۴ق.
۶. راوندی کاشانی، فضل بن علی، «النوادر»، بنیاد فرهنگي اسلامي کوشانپور، تهران، ۱۳۷۶.
۷. صالحی شامی، محمد بن یوسف، «سبل الرشاد فی سیره خیر العباد»، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۲۰۱۲م.
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، «المیزان فی تفسیر القرآن»، چ ۵، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۷ق.
۹. طبرسی، حسن بن فضل، «مکارم الاخلاق»، چ ۴، شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ق.
۱۰. عاملی، زین الدین، «الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة»، مجمع الفکر الاسلامی، قم، ۱۳۸۲.
۱۱. قمی، محمد بن علی بن بابویه، «من لا یحضره الفقیه»، چ ۳، مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق.
۱۲. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، «الاصول من الکافی»، چ ۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، «بحار النوار»، چ ۱، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۳۰۴.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، «حلیة المتقین»، چ ۳، محمد حسین فهمیده، اصفهان، ۱۳۸۹.
۱۵. نوری، حسین بن محمد تقی، «مستدرک المسائل»، چ ۲، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۳۶۸.
۱۶. هندی، علی متقین حسام الدین، «کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال»، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.